

آغاز امامت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

از جابر بن عبدالله انصاری که گفته است از رسول خدا پرسیدم که من خدا ورسول او را می دانم و می شناسم ام اولوالامر را نمی دانم. آن حضرت فرمود: ای جابر ایشان خلفای من و امامان مسلمان بعد از من، اول ایشان علی بن ابیطالب (ع) و بعد از آن حسن بن علی (ع) و بعد از آن حسین بن علی (ع) و بدنبال او محمد بن علی و او در تورات معروف است به باقر و تو او را دریابی. ای جابر، چون او را بینی سلام من را به او برسان و بعد از آن یک یک ائمه را نام می برد تا آنکه چون به حجت قائم (عج) رسید؛ فرمود که نام او نام من باشد و کنیه من کنیه او و حجت خدا است و بقیه الله؛ او در میان مردمان، حق تعالی مشارق و مغارب را توسط او بگشاید و او از شیعه خود عنایت گردد.

ولادت حضرت مهدی (عج)

در سال ۲۵۵ (ه. ق)، در سپیده دم روز جمعه، پانزدهم ماه شعبان در شهر سامرا پایتخت عباسیان، دوازدهمین اختر آسمان امامت و ولایت حضرت حجه بن الحسن المهدی (عج) در خانه امام حسن عسگری دیده به جهان گشود. نامش، نام پیامبر - کنیه اش، کنیه پیامبر - ابوالقاسم - مادرش نرجس و نام پدر بزرگوارش امام حسن عسگری (ع) است. آن یادگار الهی حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان و بقیه الله لقب گرفته است و مشهورترین لقبش حضرت مهدی است. ولادت با سعادتش از دشمنان پنهان مانده و نام و نشان از بدخواهان در نهان، زیرا حکومت خون آشام وقت و دستگاه ستمگر خلافت، سخت در پی او و مشتاق یافتن و نابود ساختنش بود. تمام نیروی خود را در اطراف خانه امام حسن عسگری (ع) متمرکز کرده و دهها جاسوس به کار گرفته بود، بر هر جاسوسی، جاسوسی دیگر گمارده بود تا از ولادت ولی خدا حضرت بقیه الله (عج) آگاه شده، نور خدا را خاموش کند، ولی مشیت خداوند بر آن تعلق گرفته بود که حجت خور را از گزند دشمنان حفظ کند.

احادیثی از شخصیت امام مهدی (عج)

مهدی مردی است از فرزندان من که چهره اش چون اختر تابناک است. « پیامبر اکرم (ص) » ()
مهدی طاووس بهشتیان است. « پیامبر اکرم (ص) » ()
با مهدی ما حجتها گسسته می شود. او پایان بخش سلسله امامان، نجات بخش امت و اوج نور و راز نهان است. « امام علی (ع) » ()

اگر او [امام زمان (عج)] را دریابم تمام عمر به او خدمت می کنم. « امام صادق (ع) » ()

من یادگار خدا در زمین وجانشین و حجت او بر شما هستم. «امام مهدی (عج)»
من مایه امان اهل زمین؛ چنانکه ستارگان مایه امان اهل آسمان اند. «امام مهدی (عج)»

غیبت

این مولود مسعود دو غیبت دارد:

نخست غیبت صغریا کوتاه مدت - که بعد از شهادت امام حسن عسگری (ع) «هشت ربیع الاول سال ۲۶۰ ه.ق» (زمان ۶ سالگی حضرت) آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ه.ق ادامه یافت. در این دوره که ۷۴ سال طول کشید شیعیان می توانستند توسط سفیران چهارگانه اش با آن حضرت تماس بگیرند و با وی ارتباط برقرار کنند. این چهار تن نایب خاص، که شیعیان می توانستند در دوران غیبت صغری توسط آنها با حضرت مهدی (عج) تماس بگیرند و مشکلات خود را به ناحیه متقدسه برسانند و پاسخ هاس لازم را دریافت نمایند، عبارتند از: جناب عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد مسعودی، که با رحلت او باب «نیابت خاص» بسته شد. پس از آن، غیبت کبری آغاز شد که از سال ۳۲۹ ه.ق تا کنون استمرار یافته است، و پایانش بر کسی جز خداوند آشکار نیست. در این دوره سفیر و نایب خاصی برای آن حضرت نیست و راه تماس رسمی و آشکار برای مردم وجود ندارد و بر آنهاست که از نواب عام امام (ع) - یعنی از فقهای پارسا و خویشتن دار- پیروی کنند.

در هر حال، نهان زیستی آن حضرت بدین معناست که دور از چشم مردمان ولی در زیر همین آسمان کبود بسر می برد. اگر برخوردی هم برایش پیشامد کند، اغلب ناشناخته می ماند و دیدار هایش با شیعیان تنها به اذن خداست. دوران غیبت کبری امام معصوم، دوران آماده نبودن شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی برای پذیرش وجود علنی و آشکار امام معصوم است. امام حسن مجتبی (ع) درباره غیبت طولانی (کبری) حضرت مهدی (عج) چنین می فرماید: به درستی که خداوند، تولد او را پنهان نگه می دارد و شخص او را غایب می کند تا این که هنگام خروج و قیام، بیعت هیچ کس بر گردن او بنا شد. او نهمین فرزند بردارم حسین است فرزند سرور کنیزان، خداوند عمرش را در هنگام غیبتش طولانی می گرداند، سپس او را با قدرتی خود همانند یک جوان کمتر از چهل ساله آشکار خواهد ساخت.

احادیثی از غیبت امام مهدی (عج)

قائم را دو غیبت است: در یکی از آنها (از بس طولانی است) درباره اش گفته می شود: [او مرد و معلوم نیست به کدام وادی رفته است.] «امام باقر (ع)»
قائم را دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه. در غیبت نخستین جایگاه آن حضرت را شیعیان خاص او می

دانند، و در غیبت نخستین جایگاه آن حضرت را شیعیان خاص او می دانند، در غیبت دوم از جایگاه او کسی جز خدمتکارانش، که بر دین اویند، آگاه نیست. «امام صادق(ع)» ()
چگونگی بهره مندی از وجود من در دوران غیبتم، همچون بهره ای است که از خورشید می برند، آن گاه که ابر آن را از دیدگان نهان می کند. «امام مهدی(عج)» ()

ظهور چیست؟

ظهور واژه‌ای در زبان عربی است که برگرفته از کلمه ظهر می باشد، زبان شناسان عربی «ظهر» را حاکی از هر نوع بروز و آشکار شدن که همراه با قدرت و قوت باشد، دانسته اند. به واژه ظهور در آیات و روایات نیز اشاره شده، چنانچه در قرآن کریم هم در آیه شریفه «هو الذی ارسل رسل بالمهدی و دین الحق...» یعنی «اوست که پیامبر خود را برای هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمام ادیان چیره سازد اگر چه مشرکان نپسندند» که در یک معنا پدیدار شدن با قدرت و شکوه است. در این آیه ظهور به دین اسلام و حقایق قرآن و معارف اسلامی نسبت داده شده است.

احادیثی از ظهور امام مهدی(عج)

هرگاه آواز دهنده ای از آسمان آواز داد که. «همانا حق در میان خاندان محمد است»، در آن هنگام نام مهدی بر سر زبان های مردم می افتد و از جام محبت او می نوشند و جز نام او بر زبان ندارند. «امام علی(ع)» ()
خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می آورد و آنگاه او را از ستمگران انتقام می گیرد. «امام حسین(ع)» ()
آنگاه که برپادرنده عدالت(امام مهدی(عج)) قیام کند، عدالتش نیکوکار و بدکار را فر می گیرد. «امام حسین(ع)» ()
آنگاه که قائم ما قیام کند، خدا آفت را از شیعیام ما بزدايد و دلهايشان را چون پاره های آهن [استوار] سازد. «امام سجاد(ع)» ()
منم که زمین را از عدالت لبریز می کنم، چنانکه از ستم آکنده است. «امام مهدی(عج)» ()

انتظار

شما امیدوار فرج و گشایش الهی باشید و از کمکهای خداموند نوید نگرید؛ همانا برترین اعمال نزد خالق یکتا انتظار فرج است.

احادیثی از انتظار فرج

برترین اعمال امت من انتظار فرج است. « پیامبر اکرم(ص) » ()
در انتظار فرج باشید و از رحمت خدا نومید نشوید. « امام علی(ع) » ()
آن که منتظر فرج ما است، همچون کسی است که در راه خدا در خون خود تپیده باشد. « امام علی(ع) » ()
منتظران ظهور امام مهدی(عج) برترین اهل هر زمان اند. « امام سجاد(ع) » ()
در شب و روزت منتظر فرج مولایت باش. « امام صادق(ع) » ()
آنکه به ما ایمان آورد و سخن ما را تصدیق کند منتظر امر [فرج] ما باشد، همچون کسی است که زیر پرچم قائم به شهادت برسد. « امام صادق(ع) » ()
منتظر ظهور امام دوازدهم مانند کسی است که در رکاب پیامبر خدا شمشیر کشیده است و از ایشان دفاع می کند. « امام صادق(ع) » ()

ویژگی های حضرت مهدی(عج)

(مَنْ يُعَظَّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ...)

خوشا به حال کسی که شعائر دین خدا را بزرگ و محترم شمارد؛ زیرا این صفت، ویژگی دل های پرهیزگار است. هشتم ربیع الاول شهادت مظلومانه امام حسن عسکری(علیه السلام) آغاز دوره امامت امام مهدی(عج)، از حوادث مهم و حساس تاریخ تشیع به شمار می رود. با گرامی داشت خاطره این روز باشکوه، مطلب زیر را با هدف آشنایی بیشتر با شخصیت آخرین حجت خدا در روی زمین و اظهار ارادت به پیشگاه آن حضرت تقدیم می داریم. امید است همیشه یاد آن عزیز پنهان در پس پرده غیبت را در دل هایمان زنده داریم و از وظایف خطیر خویش در این دوره سرنوشت ساز غافل نباشیم.

اصل امامت

مقوله امامت و جانشینی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم)، همواره به عنوان یکی از مباحث مهم اعتقادی مسلمانان در طول تاریخ مطرح بوده است. در دیدگاه شیعه، اهداف نزول کتاب های آسمانی و ارسال پیامبران الهی، هنگامی به طور کامل تحقق می یابد که ختم نبوت با نصب امام معصوم همراه باشد. امام همه ویژگی های پیامبر به جز دریافت وحی را داراست که با ولایت تکوینی(قدرت بر تصرف در نظام هستی) و ولایت تشریحی(تبیین و تفسیر آیات و احکام الهی) و از بین بردن نارسایی های موجود، زمینه را برای رسیدن انسان به کمال معنوی فراهم می کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، در سال دهم هجری، هنگام بازگشت از حجه الوداع، با نازل شدن آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» (۱) از سوی خداوند مامور شدند در محلی به نام «غدیر خم»، انتصاب علی بن ابی طالب (علیه السلام) به مقام امامت را به آگاهی مردم برسانند. ابو جعفر محمد بن جریر طبری؛ تفسیر گر و تاریخ نگار نام دار اهل سنت در اشاره به این واقعه می نویسد:

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) [در منطقه غدیر خم] فرمودند: جبرئیل از سوی خداوند دستور آورد که در این جایگاه بایستم و به سفید و سیاه اعلام کنم که علی بن ابی طالب (علیه السلام)، برادر من، وصی من، جانشین من و امام پس از من است.»

البته آن چه گفته شد به اعلام همگانی و رسمی و بیعت گرفتن از مردم مربوط است؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در دوران رسالت، بارها با بیان تعداد امامان و نام بردن از آنان، مساله امامت را تبیین کرده بودند. هنگامی که آیه «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (۲) نازل شد، جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر پرسید: «اولی الامر» که اطاعت شان در ردیف اطاعت شما به حساب آمده است، چه کسانی هستند؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در پاسخ فرمودند: «آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان هستند. نخستین آنان، علی بن ابی طالب و پس از او فرزندش، حسن و... به این ترتیب یکایک ائمه اطهار (علیهم السلام) را نام بردند. هنگامی که به امام دوازدهم رسیدند، با این تعبیر از ایشان یاد کردند که: «ثم سمی محمد و کنی حجه الله فی ارضه و بقیه فی عباده ابن الحسن بن علی...؛ سپس هم نام محمد، هم کنیه من، حجه الله و بقیه الله در بین مردمان، فرزند حسن به علی (علیه السلام) هستند.»...

ویژگی های حضرت مهدی (عج)

تحصیل کمال واقعی انسان، پس از ختم نبوت، به پیروی از رهنمودهای امام هر عصر وابسته است که پیروی نیز بدون معرفت و شناخت امام ممکن نیست. از این رو، شناخت ویژگی ها و اوصاف ائمه اطهار (علیهم السلام) در سیر تکامل فردی و اجتماعی افراد و تحقق ایمان صحیح اهمیت دارد. به گونه ای که با تعبیر گوناگون از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده است:

من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة.

هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

بدیهی است شناخت امام، مراتبی دارد که هر مرتبه از آن، به بخشی از نیازهای افراد در زمینه های خاص پاسخ می گوید و آنان را به معرفت و کمال رهنمون می سازد.

الف) نسب حضرت مهدی (علیه السلام):

پدر بزرگوار ایشان، امام حسن عسکری (علیه السلام)، امام یازدهم شیعیان است که در سال ۲۳۲ هـ.ق. در شهر مدینه متولد شد و در سال ۲۶۰ هـ.ق در سامرا به شهادت رسید.

مادر امام زمان (علیه السلام)، نرجس خاتون از طرف پدر، دختر یشوعا پسر قیصر روم شرقی و از طرف مادر، از نوادگان شمعون یکی از حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) است که در واقعه معجزه ماندی، از روم به مدینه منتقل و سپس در خانه امام هادی (علیه السلام)، تحت نظر حکیمه خاتون، دختر امام جواد (علیه السلام)، با احکام اسلام آشنا می شود. آن گاه امام هادی (علیه السلام)، او را به همسری حضرت عسکری (علیه السلام) در می آورند و بدین ترتیب، این بانوی پاک دامن به افتخار مادری مهدی آل محمد (علیه السلام) نایل می گردد. این بانوی پرهیزکار به روایتی در سال ۲۶۱ هجری و بنابر نقل دیگر، یک سال پیش از شهادت امام عسکری (علیه السلام)، از دنیا رفته اند. قبر شریف این بانوی پرهیزگار، در کنار مرقد مطهر امام یازدهم (علیه السلام) در سامرا قرار دارد.

ب) ولادت حضرت مهدی (علیه السلام):

خلفای عباسی از طریق روایات زیادی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در باره امام مهدی (علیه السلام) نقل شده بود، بر این حقیقت کاملاً آگاه بودند که به زودی در خاندان اهل بیت (علیهم السلام)، نوزادی چشم به جهان خواهد گشود که بساط ظلم و فساد نظام های خود کامه را از جوامع بشری برخواهد چید. بر این اساس، دستگاه حاکم از زمان امام نهم (علیه السلام) به بعد، آن بزرگواران را بیش از پیش زیر نظر گرفته بود. حتی امام هادی (علیه السلام) و فرزندش امام عسکری را از مدینه به سامرا (مرکز خلافت عباسی) انتقال دادند تا اعمال و رفتار آنان را کنترل کنند. این فشارها در زمان امامت امام یازدهم به اوج خود رسید و ارتباط آن حضرت را با شیعیان به حداقل رساند. سردمداران حکومت عباسی، بارها او را به زندان منتقل می کردند و گاه و بی گاه به خانه اش یورش می بردند و به بازرسی می پرداختند تا بلکه به آن نوزاد دست یابند. اما مشیت خداوند آن بود که به مصداق «یریدون لیطفوا نورالله بافواهم والله متم نوره و لو کره الکافرین»، این مولود مبارک در این خاندان وحی و نبوت، چشم به جهان گشاید.

در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ.ق، در حالی که اصلاً آثار حمل در مادر بزرگوارشان دیده نمی شد، آن امام همام، به عرصه وجود گام نهادند. به این ترتیب در آن شرایط بسیار سخت و آکنده از رعب و وحشت، وعده خداوند تحقق یافت و دوازدهمین ستاره بر حق امامت با طلوع خویش، افول حاکمیت ستم گران را نوید داد. با وجود مخفی بودن تولد این مولود، امام عسکری (علیه السلام) برای اتمام حجت و پیش گیری از انحراف های

بعدی، خبر تولد امام دوازدهم را به دوستان و خویشاوندان و شیعیان خاص رساندند و حتی به برخی از آنان، امام (علیه السلام) را نشان دادند. برای مثال، احمد بن اسحاق قمی یکی از بزرگان شیعه می گوید: خدمت امام عسکری (علیه السلام) شرفیاب شدم و خواستم در باره جانشین آن حضرت پرسش کنم. وقتی به حضور آن حضرت رسیدم، بی آن که من، پرسش خود را مطرح کنم، به من فرمودند:

«ای احمد! خدای متعال از هنگامی که آدم را آفرید، زمین را از حجت، خالی نگذاشته است و تاقیامت نیز آن را از حجت خالی نخواهد گذاشت. برای وجود حجت خداست که بلاها از اهل زمین، دفع می شود و نعمت هایی چون باران بر آنان نازل می شود و زمین، برکت و نعمت های موجود در خود را به انسان ها ارزانی می دارد.»

اسحاق بن احمد قمی می پرسد: مولای من! امام پس از شما کیست؟ به دنبال این پرسش، امام به اندرون خانه وارد شدند. سپس در حالی که پسری در حدود سه ساله و هم چون ماه نورانی شب چهارده را در بغل داشتند، بیرون آمدند. آن گاه به من فرمودند:

«ای احمد! اگر تو نزد خدای متعال و حجت های او گرامی نبودی، پسر مرا به تو نشان نمی دادم؛ همانا او هم نام رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و هم کنیه اوست. او همان کسی است که زمین را از عدل و داد پر خواهد ساخت. مثل او در این امت، مثل حضرت خضر (علیه السلام) است. به خدا سوگند! او به زودی غایب خواهد شد و دوره غیبت او به اندازه ای طول می کشد که بیشتر مردم به گمراهی و هلاکت گرفتار می شوند. تنها کسانی که خداوند توفیق پایداری در امامت را به آنان ارزانی داشته است، نجات می یابند.»

احمد بن اسحاق می گوید: سرورم! آیا نشانه ای هم وجود دارد تا به کمک آن، بیشتر اطمینان قلبی پیدا کنم؟ در این هنگام آن پسر بچه زیبا و نورانی، با لهجه عربی بسیار فصیح به آرامی فرمودند:

«منم بقیه الله در زمین؛ همان کسی که از دشمنان خدا انتقام می گیرد. ای احمد بن اسحاق! پس از آن که خود او را زیارت کردی، در پی اثر و نشانه دیگری نگردد.»...»

(ج) امامت حضرت مهدی (علیه السلام):

پیش تر اشاره شد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام)، با تعابیر گوناگون به مساله امامت حضرت مهدی (علیه السلام) اشاره کرده و تقریباً اطلاعات لازم را در باره چگونگی تولد، وقایع زندگی و ویژگی های حکومت آن حضرت در اختیار مردم قرار داده بودند. برای مثال، در یک مورد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به علی (علیه السلام) فرمودند:

«امامان پس از من دوازده نفرند که اولی آن ها تو هستی و آخر آن ها قائمی است که خداوند به دست او، شرق و غرب عالم را خواهد گشود.»

و یا در جای دیگر می فرمایند:

«... نهمین نفر از امامان، قائم اهل بیت من و مهدی این امت است که در رفتار و گفتار و کردار، شبیه ترین مردم به من است. او پس از یک غیبت طولانی و حیرت و سرگردانی ظهور خواهد کرد و دین خدا را در سرتاسر عالم، حاکمیت خواهد بخشید. او با نصرت و تاییدهای پی در پی خداوند متعال، زمین را پر از عدل و داد خواهد ساخت همان گونه که پیش از آن، از ظلم و ستم پر شده است.»

بنابراین به دلیل شرایط خفقان باری که خلفای عباسی ایجاد کرده بودند، حضرت مهدی (علیه السلام) پس از تولد، یک دوره زندگی نیمه مخفی را آغاز کردند. در این دوره که تا شهادت امام عسکری (علیه السلام)، ادامه داشت، تعداد بسیار اندکی از شیعیان، به دیدار ایشان نایل شدند از آن پس، دوره امامت امام دوازدهم (علیه السلام) و مرحله خطیر زندگی آن حضرت که به دوره غیبت معروف است، آغاز می شود. مساله اقامه نماز بر پیکر مطهر امام عسکری (علیه السلام) توسط حضرت مهدی (علیه السلام)، سبب روشنگری مردم شد و از انحراف های بعدی در مساله امامت جلوگیری کرد. این کار بر همه شیعیان آشکار ساخت که پس از امام عسکری (علیه السلام)، فرزند ایشان عهده دار منصب امامت هستند. بدین ترتیب توطئه خطرناکی که خلفای عباسی، برای نابودی اساس مکتب تشیع طرح ریزی کرده بودند، خنثی شد. باید دانست عوامل حکومت عباسی پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام)، در صدد برآمدند تا کسی را از سوی خلیفه، مامور نماز خواندن بر جنازه آن حضرت کنند و به پندار باطل خود، با این کار، پایان دوره امامت را اعلام و خلیفه غاصب عباسی را وارث امامت شیعه معرفی کنند؛ اما با وجود مقدمه چینی های بسیاری که انجام داده بودند، نقشه آنان عملی نشد. هنگامی که فرد مورد نظر حکومت، آماده نماز خواندن بر پیکر امام یازدهم (علیه السلام) بود، ناگهان کودکی در حدود پنج ساله، با وقار و طمانینه پیش آمد، آن فرد را کنار زد و خود به اقامه نماز پرداخت. این در حالی بود که به عنایت خداوند متعال، ماموران حکومتی

توانستند حتی کوچک ترین عکس العملی از خود نشان دهند. با پایان نماز نیز، پیش از آن که ماموران حکومتی بتوانند کاری بکنند، آن حضرت از دیدگان غایب شدند. بدین ترتیب، دوره امامت حضرت مهدی (علیه السلام) آغاز شد.

آغاز امامت آن حضرت، به مشیت الهی و برخی مصالح دیگر، با غیبت همراه بود که به «غیبت صغرا» مشهور است و تا سال ۳۲۹ هجری قمری به طول انجامید. پس از آن، مرحله جدیدی از غیبت که به دوره «غیبت کبرا» معروف است، آغاز شد که تاکنون نیز ادامه دارد. این دوران، سخت ترین دوره امتحان مردم است؛ زیرا ارتباط مستقیم با امام (علیه السلام) برای همگان میسر نیست و نایب خاصی نیز وجود ندارد تا مردم به وسیله او بتوانند از آن حضرت، کسب تکلیف و پاسخ پرسش های شان را دریافت کنند.

در توصیف این برهه از زمان، تعبیرهای بسیاری در روایات وارد شده است که از وجود فتنه های بسیار خطرناک حکایت دارد. بشر در این دوره، به دلیل بی توجهی به ارزش های اصیل الهی و انسانی، با وجود برخورداری از زندگی به ظاهر زیبا، آراسته و مدرن به زندگی نکبت باری دچار می شود. بدین معنا که هر چند شکم ها سیر و زندگی پر زرق و برق خواهد بود، ولی روح ها مضطرب، نگران و سرگشته است و از دست دادن هدف و فلسفه درست زندگی، یکایک افراد بشر را به یاس و ناامیدی کشنده ای دچار می سازد. در فرهنگ اصیل اسلامی، برای پیش گیری از دچار شدن به چنین وضعی، تحت عنوان «وظایف دوران غیبت»، رهنمودهای بسیار مهمی از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) ارایه شده است. رعایت این موارد، سبب در امان ماندن از خطر انحراف است؛ زیرا پای بند نبودن به احکام الهی و از دست دادن ثبات فکری و اعتقادی صحیح، سبب آلودگی به فتنه های آخر الزمان خواهد شد.

امید است با انجام وظایف و تکالیف مربوط به دوره غیبت، بتوانیم در شمار منتظران واقعی آن حضرت باشیم و هنگام ظهور مهدی موعود (عج)، شایستگی هم گامی با آن سوار سبزپوش را به دست آوریم.

بقیه الله خیر الکم ان کنتم مومنین

ابوالادیان می گوید: من خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می کردم. نامه های آن حضرت را به شهرها می بردم. در مرض موت، روزی من را طلب فرمود و چند نامه ای نوشت به مدائن تا آنها را برسانم. سپس امام فرمود: پس از پانزده روز باز داخل سامره خواهی شد و صدای گریه و شیون از خانه من خواهی شنید، و در آن موقع مشغول غسل دادن من خواهند بود. ابوالادیان به امام عرض می کند: ای سید من، هرگاه این واقعه دردناک

روی دهد، امامت با کیست؟ فرمود: هر که جواب نامه من را از تو طلب کند. ابوالادیان می گوید: دوباره پرسیدم علامت دیگری به من بفرما. امام فرمود: هر که بر من نماز گزارد.

ابوالادیان می گوید: باز هم علامت دیگری بگو تا بدانم. امام می گوید: هر که بگوید که در همین چه چیز است او امام شماسست. ابوالادیان می گوید: مهابت و شکوه امام باعث شد که نتوانم چیز دیگری بپرسم. رفتم و نامه ها را رساندم و پس از پانزده روز برگشتم. وقتی به در خانه امام رسیدم صدای شیون و گریه از خانه امام بلند بود. داخل خانه امام، جعفر کذاب برادر امام حسن عسکری را دیدم که نشسته، و شیعیان به او تسلیت می دهند و به امامت او تهنیت می گویند. من از این بابت بسیار تعجب کردم پیش رفتم و تعزیت و تهنیت گفتم. اما او جوابی نداد و هیچ سوالی نکرد. چون بدن مظهر امام را کفن کرده و آماده نماز گزاردن بود، خادمی آمد و جعفر کذاب را دعوت کرد که بر برادر خود نماز بخواند. چون جعفر به نماز ایستاد، طفلی گندمگون و پیچیده موی، گشاده دندانی مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: ای عمو پس بایست که من به نماز سزاوارترم. رنگ جعفر دگرگون شد. عقب ایستاد.

سپس آن طفل پیش آمد و بر پدر نماز گزارد و آن جناب را در پهلوی امام علی النقی علیه السلام دفن کرد. سپس رو به من آورد و فرمود: جواب نامه ها را که با تو است تسلیم کن. من جواب نامه را به آن کودک دادم. پس 'حاجزوشا' از جعفر پرسید: این کودک که بود، جعفر گفت: به خدا قسم من او را نمی شناسم و هرگز او را ندیده ام. در این موقع، عده ای از شیعیان از شهر قم رسیدند، چون از وفات امام علیه السلام با خبر شدند، مردم به جعفر اشاره کردند. چند تن از آن مردم نزد جعفر رفتند و از او پرسیدند: بگو که نامه هایی که داریم از چه جماعتی است و مالها چه مقدار است؟ جعفر گفت: ببینید مردم از من علم غیب می خواهند! در آن حال خادمی از جانب حضرت صاحب الامر ظاهر شد و از قول امام گفت: ای مردم قم با شما نامه هایی است از فلان و فلان و همیانی (کیسه ای) که در آن هزار اشرفی است که در آن ده اشرفی است با روکش طلا.

شیعیانی که از قم آمده بودند گفتند: هر کس تو را فرستاده است امام زمان است این نامه ها و همین را به او تسلیم کن. جعفر کذاب نزد معتمد خلیفه آمد و جریان واقعه را نقل کرد. معتمد گفت: بروید و در خانه امام حسن عسکری علیه السلام جستجو کنید و کودک را پیدا کنید. رفتند و از کودک اثری نیافتند. ناچار 'صیقل' کنیز حضرت امام عسکری علیه السلام را گرفتند و مدتها تحت نظر داشتند به تصور اینکه او حامله است. ولی هر چه بیشتر جستند کمتر یافتند. خداوند آن کودک مبارک قدم را حفظ کرد و تا زمان ما نیز در کنف حمایت حق است و به ظاهر از نظرها پنهان می باشد. درود خدای بزرگ بر او باد. سالهای اول زندگی حضرت مهدی (عج) به همین منوال گذشت تا اینکه به سال ۲۶۰ هجری در سن پنج سالگی پدر عزیزش را از دست داد. در پی این حادثه غم انگیز،

امامت و رهبری شیعیان به آن حضرت انتقال یافت. حضرت در آن زمان از کمالات و دانشهای الهی همان را داشت که دیگر امامان داشتند و این مقام و منزلتی بود که خدای تعالی به حضرت عنایت فرمود..

حضرت مهدی(ع) به دور از دیده مردم می زیست و با افراد اندکی معاشرت داشت. جعفر، عموی آن حضرت با استفاده از این مسئله به دروغ خود را جانشین و وارث حضرت عسگری(ع) معرفی کرد و به همین علت است که او را کذاب لقب داده اند. ابوالادیان، از خادمان امام حسن عسگری(ع) در آن مورد می گوید: صدای شیون از منزل امام حسن(ع) بلند بود و جعفر بن علی برادر آن حضرت را نیز دیدم که بر در خانه نشسته بود و شیعیان نیز او را تسلیت و تبریک می گفتند(تسلیت برای رحلت برادر و تبریک برای جانشینی) با خود گفتم که اگر این شخص امام باشد امامت از بین می رود! زیرا من پیشتر او رامیشناختم، شراب می خورد و قمار می باخت و تنبور می نواخت. در این حال عقید خادم بیرون آمد و به جعفر گفت: آقای من! برادرت را کفن کردند برخیز و بر او نماز گزار. جعفر و شیعیان همراه وی داخل شدند. چون در خانه جای گرفتیم دیدیم که پیکر حضرت عسگری صلوات الله علیه را کفن کرده بر روی تابوتی نهاده اند. جعفر پیش ایستاد که بر برادر نماز گزارد. چون خواست که تکبیر گوید ناگاه کودکی گندمگون پیچیده موی و گشاده دندان بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: ای عموا! پس بایست که من سزاوارترم به نماز بر پدرم جعفر که رنگ از چهره اش پریده بود عقب رفت و آن کودک پیش ایستاد و بر پدر نماز خواند خبر وجود فرزندی از امام حسن عسگری(ع) انتشار یافت و ماموران حکومتی به سعایت جعفر کذاب بر تفتیش و جستجوی خود شدت بخشیدند. در این راه آزار و اذیتهای فراوان برای خانواده حضرت عسگری(ع) فراهم آوردند. ولی تلاشهای آنان حاصلی در بر نداشت. جعفر کذاب نیز از ادعای خود طرفی نبست و تنها توانست میراث آن حضرت را به یغما برد.

در هر حال سلسله امامان دوازده گانه از هم ننگست و امامت الهی ادامه یافت. ولی پیگیری و تعقیب دشمن خطری بس جدی بود که جان امام دوازدهم را تهدید می کردهمین امر و پاره ای از عوامل دیگر ایجاب می کرد که آن حضرت در غیبت به سر برند و به دور از دیده مردم زندگی کنند. البته نهان زیستی مختص حضرت مهدی(عج) نیست بلکه در زندگی بسیاری از پیامبران و خود امامان هم پیشینه دیرینی داشته است. در قرآن مجید از پنهان زیستی پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی یاد شده است. پیامبر اسلام و امامان(ع) مسئله غیبت آخرین حجت را به مردم خاطر نشان می کردند و هر گونه شک و تردید را در این مورد از دلهای آنان می زدودند

غیبت حضرت مهدی(عج)

غیبت امام دوازدهم دو مرحله دارد. یکی غیبت صغری(کوتاه مدت) و دیگری غیبت کبری(دراز مدت). غیبت صغری بنا به قول مشهور از سال ۲۶۰ هجری، ابتدای امامت حضرت مهدی(عج) آغاز شد و حدود ۶۹ سال به طول انجامید. برخی عالمان چون شیخ مفید و سید محسن امین عاملی آغاز غیبت صغری را از هنگام ولادت آن حضرت

به شمار آورده اند، زیرا در آن سالها نیز حضرت به دور از نظرها می زیسته است. با این حساب دوره غیبت صغری ۷۴ سال می شود. حضرت مهدی (عج) در دوره غیبت صغری چهار تن از شیعیان صالح خود را به عنوان سفیر معرفی کردند که هر یک پس از وفات دیگری به انجام این وظیفه بزرگ می پرداختند.

این چهار تن سوالات و مشکلات مردم را به آن حضرت عرضه می کردند و پاسخهای ایشان را به مردم می رساندند. نخستین واسطه امام و مردم، ابو عمر و عثمان بن سعد عمری بود که پیشتر از جانب امام هادی و امام حسن عسگری علیهما السلام نیز به مقام سفارت منصوب شده بود. پس از درگذشت عثمان بن سعد، فرزند وی، محمد بن عثمان به فرمان امام زمان (عج) منصب پدر را بر عهده گرفت. شیخ طوسی درباره این پدر و پسر آورده که نامه های صاحب الامر (عج) توسط عثمان بن سعید و پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان به دست شیعیان و خاصان پدرش ابو محمد (ع) می رسید. این نامه ها حاوی امر و نهی و پاسخ به سوالات شیعیان بود. محمد بن عثمان در آخر جمادی الاول سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ هجری از دنیا رفت. هنگامی که حال او در بستر بیماری رو به وخامت گذاشت جماعتی از شیعیان بر بالین وی گرد آمدند و به او گفتند: اگر حادثه ای برایتان پیش آید چه کسی به جای شما خواهد بود؟ او در پاسخ گفت: این ابوالقاسم حسین بن روح بن ابوبحر نوبختی جانشین من است. او سفیر بین شما و صاحب الامر علیه السلام، وکیل او و مورد اطمینان و امین است.

به او رجوع کنید و در کارهای مهم به او اعتماد کنید. مرا امر شده بود که این را ابلاغ کنم و ابلاغ کردم. حسین بن روح نوبختی از زمره ده کارگزار محمد بن عثمان در بغداد بود و سالهای درازی را با او همکاری و معاشرت داشت. این کارگزاران با شیعیان در ارتباط بودند و به امور آنان سامان می دادند. وی در ماه شعبان سال ۳۲۶ هجری در گذشت. آخرین سفیر، ابوالحسن علی بن محمد سمري بود که به وصیت حسین بن روح نوبختی از جانب حضرت صاحب الامر (عج) به این منصب انتخاب شد. وی پس از گذشت سه سال در نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری چشم از جهان فرو بست. مزار این چهار بزرگوار که به 'نواب اربعه' مشهورند در شهر بغداد واقع شده است حساسترین فراز دوران غیبت صغری مرگ علی بن محمد سمري بود. زیرا همزمان با مرگ او دوران ارتباط مستقیم با امام زمان به انجام رسید و عصر غیبت کبری آغاز شد. شش روز پیش از آن که علی بن محمد سمري از دنیا برود نامه ای خطاب به او از ناحیه مقدسه صادر شد که در آن آمده بود: به احدی وصیت مکن که پس از مرگ جایگزین تو شود، چون که غیبت کبری آغاز شده و دیگر ظهوری در کار نیست مگر پس از اذن خدا عز و جل و آن پس از مدت دراز و سختی دلها و پر شدن زمین از ستم باشد.

به این ترتیب آفتاب طلعت آن حجت الهی به طوری کامل در پس پرده غیبت قرار گرفت و دوران ارتباط مستقیم با آن حضرت به پایان رسید. با وجود این، آن حضرت امام زمین و زمان است و حجت خدای. گرچه شخص ایشان از ما نهان است ولی حکمش بر ما عیان است. امیرالمومنین (ع) بر فراز منبر کوفه فرمود: اگر جسم حجت خدای از

دیده مردم در حال هدایتشان پنهان شود دانش و آداروشن است که دانش و آداب امام عصر(عج) همان قرآن و سنت او و نیاکان پاک اوست و اهل ایمان تکلیف دارند تا روز قیامت به قرآن و سنت عمل کنند و لحظه ای از این کار باز نمانند.

منبع: پایگاه شیعه